

دشمنان صلح و آزادی

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

دموکراسی، انتخابات را دهه هاست توسط ارباب سرمایه مدیریت می کنند (امریکا و خط هجوم و اشغال و ایجاد امثال جمهوری اسلامی را به پیش میبرند.)

بیراهه نرفته ایم اگر برای پژوهش و آگاهی از همبستگی ارباب سرمایه و دولتهای آنان سری به چگونگی تاسیس لشکر اسلام توسط مامور اس اس نازی Vonmende بزنیم. لشکر اسلام برای نفوذ در جمهوری های سابق اتحاد شوروی، یا که تاسیس اخوان المسلمین و کار شکنی علیه دولت جمال عبدال ناصر و ایجاد جو ترور و وحشت. شبکه اخوان با حمایت لندن شعبات خود را از مصر تا عربستان و آلمان و ... میزند. چون سازمان CIA که شبکه برادران اسلامی تحت امر آلمان هیتلری را یکجا تحویل می گیرد و سازماندهی مجدد میدهد و از کنار آن چند بانک غول بیکر ظهور میکند چون بانک آقای Nada، رفیق و یار و گرا دهند به امثال ابراهیم یزدی در تشکیل شبکه ایرانی خود! چرا راه دور برویم تعقیب زندگی آدم هائی چون ابراهیم یزدی و چمران، یا که مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) و فدائیان اسلام و آیت اله کاشانی تا چگونگی قدرت گیری خمینی و باران تروریست او گویای مطلب من است. امکان سازی برای اسلام سیاسی سبقه خود را به تشکیل عربستان سعودی توسط انگلیس هم میرساند و چگونگی تولید کشورهای بنام عربی از شمال افریقا (سوریه، لیبی) تا خلیج فارس و پس از پایان جنگ جهانی اول. خوب حال که چنین است باید ضمن مبارزه بی امان علیه اندیشه ایدئولوژیک آنها و افشای این بربریت واضح اما که نیکوتر آنکه سر منشاء سوخت رسانی و عروسک گردان آنها را نیز از یاد نبریم. که مبارزه علیه تروریسم اسلام سیاسی نمیتواند جدا از مبارزه علیه عروسک گردان آنها یعنی انحصارات امپریالیستی و دولتهای تابع آنها باشد.

اینکه سیاست های برتری طلبانه و سروری جویانه ایالات متحده امریکا، اساس و بنیاد سیاست خارجی آن را تشکیل میدهد هم کار دیروز و امروز نبوده و نیست ولی هم اکنون این

اینکه تروریسم اسلام سیاسی نحله ای تاریخی است و از متن آموزه های نخستین آن و اصول ثابت و مدون و خلافت های آن از بدو تولد تا قرن های واپسین امتداد داشته نه کشف نگارنده است و نه مسئله ای جدید. اما اینکه چنین روند و تفکری ایدئولوژیک و تشنه قدرت سیاسی همواره مورد حمایت قدرت هایی چون انگلیس و امریکا و آلمان (نازی و هیتلری) بوده مورد نقد و بررسی کوتاه این مطلب کوتاه تر است. که اگر اسلام سیاسی و اقلا در صد و پنجاه سال اخیر حمایت شده از سوی ارباب سرمایه غربی بوده، پس میتوان نتیجه گرفت که چنین اتشی که ارباب سرمایه به دامان مردم جهان انداخته نیز اگر نه ساخته و پرداخته غرب که مورد حمایت آنها بوده و از سالهای جنگ اول جهانی آن را دوباره از گور تاریخی اش بیرون کشیده اند. برای پژوهش در این مورد و آگاهی از چگونگی تشکیل جماعت اسلامی از سوی نازی های هیتلری و سپس تولد اخوان المسلمین بدست انگلیس در مصر دو کتاب ارزشمند موجود است. A mosque in monich یا مسجدی در مونیخ و Devil's Game یا بازی شیطان میتواند خواننده مشتاق به دانستن موثق و مستند از این جریان را یاری رساند.

اما هدف من از درج چنین مطلبی نه بخاطر یادآوری همدستی و همکاری اسلام سیاسی و غرب که تاکید بر این مطلب است که تروریسم موجود و این همه جنایات که در امثال ایران اتفاق افتاده تازه نوک کوه یخ تهدید بزرگتری است بنام ادامه حیات و عملکرد امپریالیسم که به منظور استمرار روند انباشت سرمایه اش مجبور است که برای مبارزه علیه آزادی خواهی در جوامع در حال توسعه یا پیرامونی دست به دامان آدم کشان حرفه ای چون جمهوری اسلامی، طالبان، داعش و اخوان و امثال آنها شود. اینکه امپریالیسم یا به زبان ساده تر، ارباب سرمایه جهانی و قدرت هایی چون انحصارات امپریالیستی و امریکا خود تهدیدی جدی برای صلح جهانی هستند هم نه کشف من که اعتقاد اکثر پژوهش گران لیبرال حتی امریکائی چون نوام چامسکی است. کشورهای که عروسک گردان تروریست های سیاسی هستند! دولتهایی چون امریکا که تحت لوای

سیاست خارجی امپراطوری به موانعی جدی و حتی جدی تر از این زمان جنگ سرد و حضور اتحاد شوروی، برخورد کرده است. از این نظر انحصارات سرمایه داری با نفوذ مستقیم و واضح در انتخابات ریاست جمهوری این کشور دخالت کرد و آن را مدیریت می کنند. دموکراسی سیاسی را به رای دادن به یکی از دو حزب مطرح تقلیل داده تا با دست باز فشار و انرژی لازم را برای مدعیان خارجی چون چین، روسیه و اتحاد اروپا، فراهم آورند. که سیاست مهار نمودن چین و روسیه و محاصره نظامی آنها، رمق اقتصادی مالیات دهندگان آمریکا را گرفته است. در این تصویر دوستان مستقیم امپراطوری سرمایه در دنیای پیرامونی، ارتجاعی ترین نحله های سیاسی و اجتماعی هستند و آمریکا در این چهارچوب اگر مودی مرتجع را در هندوستان تحمل می کند اما که در خاور نزدیک هم به دنبال جایگزینی اسلام سیاسی مدل رنگ و رو رفته با مدل جدید است! کشورهای زیادی در خاور نزدیک و از سال ۲۰۰۲ (پس از ۱۱ سپتامبر معروف) ویران شدند و بازگشت آنها به اوضاع ماضی دور از چشم اندازه های واقعی است. اگر در برخی کشورهای منطقه چون ایران، جناح اصول گرا و امثال خامنه ای و انصار در حال احتضار هستند ولی از هم اکنون آمریکا و متحدین مشغول بسته بندی جمهوری اسلامی ۲ به روایت ملی مذهبی و اصلاح طلبان باند نیویورکی ها و پادوهای بریده از اردوی چپ هستند.

آنچه مطلب من میگوید این است که اسلام سیاسی و تروریسم جدید حمایت شده توسط ارباب سرمایه آمریکائی و اروپایی اگر چه برای مدتی فتیله را پایین می کشند ولی مردم اروپا و آمریکا شمالی هم از حضور سربازان و نیروهای آشکار و پنهان آنها ضربه می خورند و در خطر مداوم هستند ادامه سیاست

حمایت از تروریستها که هم اکنون با حمایت آمریکا و متحدین خاک لیبی را به توبره کشیده اند و در عراق و سوریه و ... آتش بازی می کنند، بالاخره پای تروریست ها را به غرب باز کرده است. برخی از نیروهای جوان داعش و همکاران دوباره سر از کشورهای غربی در آورده اند و در این راه محال است که سرویس های اطلاعاتی کشورها از حضورشان بی اطلاع باشند! آیا آنها را برای پروژه بعدی می پروراند. آیا تر و خشک کردن پاسداران (فعلا اصلاح طلب) در حومه واشینگتن و شهرهای اروپایی خبر از طرح جدید خانمان برانداز دیگر نمی دهد در این صورت است که ما مسئولیت داریم تا مبارزه خود را علیه ارتجاع و تروریسم و برای دموکراسی از افشاء اربابان آنها جدا نسازیم که هیولای استثمار و بهره کشی سرمایه در تصاویر شمالی و جنوبی آن همواره یار و همراه نژادپرستان و فاشیست ها و تروریستهای اسلام سیاسی و دیکتاتورها در جنوب بوده است. من معتقدم که نمایندگان انحصارات امپریالیستی (و دولتهای تابعه آنها) چنانچه نتوانند تخریب و نابودی جنوب و بویژه منطقه خاور نزدیک را توسط مرتجعین کنونی، دیکتاتورها و اسلام سیاسی ادامه دهند، پس تنها چاره آنها تکه پاره کردن کشورهایی در این بخش از جهان برای ادامه سلطه و ادامه ذلت و اجرای برنامه های دیکته شده امثال بانک جهانی خواهد بود تا انباشت سرمایه نجومی انحصارات ادامه یابد. در این صورت آیا جز یک انقلاب اجتماعی میتواند به این همه ذلت پایان دهد! اگر چنین است پس راهی دراز در پیش داریم.
